

# بحران های اجتماعی پیش رونده و صعود مقاومت ناپذیر مبارزات و جنبش کارگری

به نقل از نشریه کارگر پیشرو

موسی فرمند

بازتکثیر در به پیش شماره ۲۸ پنجشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۸۶، ۶ مارس ۲۰۰۸

جنبش طبقه کارگر در شرایط کنونی در وضعیتی است که علیرغم آن که دارای نقاط ضعف فراوان بوده و از پیوستگی مبارزاتی و تشکل های مستقل جهت سازماندهی امور خود محروم است، اما به نحوه ویژه ای مورد توجه و نفرت جربانات و محافل ضد کارگری است. این توجه ویژه ی کنونی ناشی از چیست؟

واکاوی مواضع و عیان نمودن گنه مقاصد این جریانات که با ترفندهای مختلف در صدد سرکوب بی رحمانه (که همواره به انحاء مختلف به آن مشغول بوده و هستند) و به انحراف کشیدن آن هستند، در شرایط مشخص امروز، برای ما ضرورتر می نماید.

فرایند و جهت رشد اعتراضات و اعتصابات کنونی، که بی اعتنا به عدم حق اعتراض، اعتصاب و تشکل مستقل کارگری، در ابعاد وسیع و با تعداد روزافزون آن ها (تعداد افراد شرکت کننده و تعداد اعتراضات در سه ساله ی اخیر) تغییر سنگرها و شعارهای مبارزاتی، گذراز معبر پاره ای از توهمات فرهنگ بورژوائی-ارتجاعی حاکمان برجامعه، خروج از توهمات متافیزیکی و ماورالطبیعه و فرود آمدن بر زمین واقعیات تلخ زندگی که در شعارها و پائین آوردن عکس این و آن "منجی" و زدودن شعارهای ایده آلیستی در اعتراضات خود تجلی یافته- بی اعتمادی نسبت به نهادها و ارگان های موجود حکومتی، بروز اعتراضات به شکلی کاملاً علنی، مقاومت های خودباورانه ی متکی بر نیروی خویش، جسارت فعالان و پیشروان آن ها در آمدن به جلو صحنه ی مبارزه و ده ها مورد دیگر که روانشناختی اجتماعی جنبش اعتراضی کنونی را به جد می طلبد نشان از تغییر فاکتورهای مبارزه ی کارگران است تا موقعیت ها و فرصت های کنونی را به درست ارزیابی کرده و راه های استعلاء آن را به یک مبارزه ی همبسته، متحد و سراسری در قالب یک فرم و ظرف مبارزاتی، یافته و بکار بندد. (همین جا در حاشیه متذکر شوم، فراخوان اتحاد کمیته های کارگری به اتحاد عمل و پاسخ دیگر تشکل ها و فعالان کارگری تشخیص این ضرورت مبرم بود که پراتیک جنبش کارگری در دستور روز قرار داد.)

در سه سال اخیر بیش از هزاران اعتراض کارگری با تعداد صدها هزار کارگر، به صورت خودجوش و با مطالبات تقریباً یکسان و مشابه که بر یک موقعیت طبقاتی یکسان و جهان شمول حکایت می کند، در سراسر کشور به منصفه ی ظهور رسیده است. این تعداد اعتراضات و تعداد افراد شرکت کننده در آن، و اشکال متنوع و متهورانه و ارتقاء یافته نسبت به دوره ها و سال های پیش طبعاً کابوس و نماز وحشت را بر حامیان نظم تولیدی

سرمایه و سرمایه در آن تحمیل کرده و متقابلاً سرکوب مهلک تری در دستور کار آنان قرار داده است. و از سوی دیگر استعلاء و ارتقاء بخش پیشروی متشکل و سازمان یافته آن را وظیفه ی عاجل و موضوع مورد مجادله فعالان کارگری، با وجود سدها و موانع پیش رو قرار داده است. این حجم سنگین از اعتراضات، به لحاظ کمیت، و پربار، به واسطه ی کیفیت و رو به صعود به دلیل تاریخی در سه دهه ی اخیر بی سابقه است و یقیناً اگر یکپارچه و متحد و یک کاسه شود سرنوشت اساسی جامعه ی آینده را رقم خواهد زد. این فرآیند عروج مبارزات به دلایلی که به طور اجمال بر خواهیم شمرد، در سال آینده شتاب بیشتری خواهد گرفت و با آفت و خیزهای پُر تلاطمی همراه خواهد بود.

## بودجه ی کشور در سال ۱۳۸۶

اگر چه هنوز ارقام تخصیص بودجه به وزارت خانه ها، نهادها، بنیادها و مؤسسات و ارگانهای دولتی به تفکیک منتشر نشده اما با نگاهی به تخصیص بودجه در سال ۸۵ می توان سمت گیری بودجه ی سال ۸۶ را با توجه به نظامی-امنیتی تر شدن فضای جامعه و وضعیت دولت مذهبی تا حدودی پیش بینی کرد. در سال ۸۵ تخصیص بودجه به پاره ای از وزارت خانه ها و نهادهای حکومتی به شرح زیر بود: "رشد بودجه برخی دستگاه ها در لایحه ی بودجه سال ۱۳۸۵ نسبت به لایحه ۱۳۸۴- سازمان صدا و سیما ۴۵/۶ درصد، سازمان تبلیغات اسلامی ۹۵/۴ درصد، مرکز خدمات حوزه علمیه قم ۱۴۷/۱ درصد، نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ها ۱۴۰ درصد، شورای عالی فرهنگی ۴۱/۹ درصد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۱۰/۷ درصد، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۹۶/۵ درصد، دبیرخانه مجلس خبرگان ۴۴ درصد، شورای نگهبان ۱۴۲/۲ درصد، وزارت آموزش و پرورش ۳۲/۴ درصد، وزارت تعاون ۳/۸ درصد." (روزنامه شرق- شماره ۶۷۷ سه شنبه ۲۷ دی ماه ۱۳۸۴) این رشد بودجه کلیه نهادهای کپکی جامعه در سال ۱۳۸۵!!!

و اما تا آن جا که از گزارشات منتشره در روزنامه های سال ۸۵ استخراج شده به کسری بودجه دو وزارت خانه ی مهم که با سلامت و بهداشت و آموزش و پرورش جامعه ارتباط مستقیم دارد. اشاره ای بکنیم. بودجه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ۱۰۰۰ میلیارد تومان کسری دارد که منجر به کاهش بودجه این وزارت خانه و پائین آوردن سرانه بهداشت و درمان مردم در سال آینده خواهد شد.

" در حالی که بودجه سرانه بهداشت هر فرد در سال ۸۵ از سوی شورای عالی بیمه ۷ هزار تومان تعیین شد. این رقم در اجرا به ۳۹۰۰ تومان کاهش یافت. این رقم باید برای سال آینده با پیش بینی نرخ تورم افزایش یابد و پیشنهاد سازمان نظام پزشکی کشور برای رقم سرانه سال ۱۳۸۶، هشت هزار و پانصد تومان {۸۵۰۰} است." (دکتر سید شهاب الدین صدر، رئیس سازمان نظام پزشکی کشور، روزنامه اعتماد، دوشنبه ۱۱ دی ماه ۱۳۸۵).

امسال با توجه به کسری بودجه این وزارت خانه سرانه بهداشت هر فرد از ۳۹۰۰ تومان، باز هم با کاهش فزاینده روبرو خواهد بود که سلامت جامعه را با تهدید جدی روبرو خواهد کرد. بد نیست بدانیم که بودجه سرانه بهداشت در کشور ژاپن ۳۷۰۰ دلار و در آمریکا ۷۰۰۰ دلار و در کشور عمان در دهانه خلیج فارس ۱۷۴ دلار و در ایران تنها ۴ دلار است. در نشست که آقای باقر لنگرانی وزیر بهداشت و درمان با مجلسیان داشت از آن ها

درخواست کرد که ۶۳۸ میلیارد تومان که بخشی از کسری این وزارت خانه است را جبران نموده و آن را افزایش دهند. مجلسیان گفتند که این بر عهده ی مجلس نیست و دولت باید لایحه بدهد، و این افزایش بدون لایحه دولت از سوی مجلس خلاف قانون اساسی است. لنکرانی گفت که دولت تصمیم گرفته است که این کسری بودجه را از راه درآمد بیمارستان های دولتی جبران کند. که این به معنای: یا افزایش تعرفه های بیمارستان های دولتی و یا حذف و کاهش پاره ای خدمات بهداشتی به مردم از سوی بیمارستان های دولتی و یا خالی کردن جیب مردم است. با اصرار وزیر مجلسیان گفتند که این امور گر چه مغایر قانون اساسی است و معلوم نیست که شورای نگهبان آن را تأیید کند ما این درخواست را تصویب می کنیم و کردند؟! (به نقل از روزنامه آینده نو)

باقری لنکرانی بعدها در مصاحبه با روزنامه ی اعتماد گفت: " در عین حال بدون افزایش سرانه و سهم دولت، درآمد اختصاصی بیمارستان ها حدود ۳۰ درصد افزایش یافته و مفهوم آن این است که مردم باید پول و سهم بیشتری از هزینه های خدمات را به صندوق بیمارستان ها بریزند." (روزنامه اعتماد-دوشنبه ۱۱ دی ماه ۱۳۸۵) مشخصاً کاهش سهم سرانه بهداشت و درمان وضع سلامت جسمی و روانی توده های فقیر و محروم جامعه را که قدرت پرداخت هزینه های سرسام آور بیمارستان های خصوصی را ندارند و ملجاء آن ها برای درمان دردهای خود در درمانگاه و بیمارستان های دولتی است با مخاطرات جدی روبرو خواهد کرد.

کسری بودجه آموزش و پرورش ۱۷۰۰ میلیارد تومان بر آورد شده که موجب کاهش سرانه آموزش می شود تا جائی که علاوه بر پول کتاب و دیگر وسائل آموزشی جنبی از قبیل گچ، ورقه برای امتحانات، خرید وسائل کمک آموزشی، مرکب پلی کپی، تعمیرات مدارس، هزینه آب و برق و تلفن و... از دانش آموزان، تحت عنوان کمک به مدرسه، و قبوضی که در طول سال به تناوب به دانش آموزان داده می شود، دریافت می گردد و این کاملاً مغایر "تحصیل رایگان و اجباری" است که در قانون اساسی آمده است. مطابق آمار رسمی یک میلیون و ۲۷۰ هزار دانش آموز خارج از چرخه تحصیل به دلایلی از جمله نداشتن امکانات مالی برای ادامه تحصیل از تحصیل باز مانده اند

اما در مورد کارگران، دستمزد کارگران برای سال ۱۳۸۶ با ۳۳ هزار {یا در اصل ۳ هزار تومان افزایش نسبت به سال ۸۵، ۱۸۳ هزار تومان تعیین شد. با توجه به میزان درآمدهای یک خانواده ۴ نفره در نقاط مختلف ایران برای موازی شدن با "خط فقر" ارقام مختلفی از سوی مسئولان حکومتی و کارشناسان امور اقتصادی دولتی و غیر دولتی برآورد شده، این میزان دستمزد ماهیانه برای کل کارگران ایران نه تنها آن را به وجه هولناکی از سطح "خط مطلق فقر" پائین آورده، بلکه آن ها را به "خط مرگ" و به بیان دیگر به "خط هلاکت و مرگ تدریجی زودرس" نزدیک کرده است.

به طنزی از معلمان در رابطه با دستمزد ماهیانه که متوسط آن ۲۱۰ هزار تومان است و اجاره مسکن نیز ندارند، در یکی از شهرهای کوچک و کم هزینه توجه کنید: "هفته ی اول که حقوق می گیریم "هفته ی شجاعت" است که می توانیم پاره ای ضروریات خورد و خوراک "فرهنگی خور" {بخوان فقیرانه} خود را تهیه کنیم. (مثلاً میوه های نوبرانه

چون قیمت شان بالاتر است هنوز "فرهنگی خور" نشده اند و بعدها که قیمت شان پائین آمد می شوند "فرهنگی خور" "کارد به شکمی بخورد که هوس میوه نوبرانه کند." هفته دوم ماه هفته ی قناعت" است و هفته ی سوم "هفته ی فلاکت" و هفته ی چهارم "هفته ی هلاکت" است. حال با یک حساب سرانگشتی بگوئید که یک دستمزد ۱۸۳ هزار تومانی برای یک خانواده کارگری که اکثریت قریب باتفاق آن ها اجاره مسکن هم دارند کدام هفته، "هفته ی هلاکت" است؟ و کدام میوه و کالا پس از رویت هلال خود، خریدنی و خوردنی است؟

با فرض قبول نظرات کارشناسان دولتی در تعیین حداقل درآمد برای نزدیک شدن به "خط فقر" علیرغم این که آمارهای مربوط به چهره ی واقعی فقر به روایت رسمی از کیفیت کافی برای ارائه ی تصویر واقعی از وضعیت توزیع درآمد در ایران برخوردار نیست، با وجود این به موارد زیر توجه کنید:

"در حالی که بررسی خط فقر به تفکیک استانها نشان می دهد که یک خانواده ۵ نفره شهری در استان تهران برای خروج از خط فقر، حداقل نیازمند ماهانه ۴۰۰ هزار تومان و یک خانوار در استان سیستان و بلوچستان به عنوان پائین ترین رتبه در آمدی برای خروج از فقر، نیازمند ۱۷۱ هزار و ۸۵۶ تومان در سال ۱۳۸۳ بوده است، وزارت رفاه، خط فقر مناطق شهری و روستائی در سال ۸۴ را به ترتیب ۱۶۲ و ۱۳۰ هزار تومان اعلام کرد.

بررسی های تحقیقاتی دقیق تری هم، نشان از فاصله ی کشور از برنامه کاهش ۳ درصدی تعداد فقرا و اهداف برنامه ی توسعه هزاره است، به گونه ای که علیرغم اعلام کاهش فقر، بر اساس بررسی انجام شده در خصوص وضعیت فقر در طول سال های ۶۹ تا ۸۳، وضعیت پائین ترین لایه های جامعه تغییر چندانی نیافته و این لایه ها از بهبود شرایطی نصیب مانده اند و تنها خانوار های نزدیک به خط فقر وضعیت بهتری یافته، از فقر مطلق خارج شده اند" (حسین راغفر، مشاور وزیر رفاه و تأمین اجتماعی در گفت و گو با "ایسنا" خبرگزاری دانشجویان ایران)

وی همچنین در پاسخ به علل وضعیت موجود و بی نصیب ماندن فقرا از بهبود و شرایط، به آماری از توزیع درآمد کشور اشاره کرد و گفت:

"متأسفانه داده های جمع آوری شده در خصوص مصرف خانوارها از کیفیت کافی برای ارائه ی تصویر واقعی از وضعیت توزیع درآمد در ایران برخوردار نیست و به همین دلیل ممکن است داده های جمع آوری شده واقعیت را منعکس نکنند و تعداد فقرا بیشتر از این میزان باشد." (همان منبع)

وی یادآور شد: "بر اساس این مطالعه که به تفکیک وضعیت خط فقر در هر یک از استان ها انجام شده، خانوارهای ۵ نفره شهری در استان سیستان و بلوچستان برای تأمین حداقل نیازهای زندگی در سال ۱۳۸۳ نیازمند ۱۷۱ هزار و ۸۵۶ تومان هستند که این استان در میان استان های کشور پائین ترین میزان درآمد مورد نیاز برای تأمین حداقل نیازهای خانوار در ماه را به خود اختصاص می دهد." وی افزود:

"به ترتیب این خط فقر برای استان های کردستان ۲۱۶ هزار تومان، فارس ۲۴۴ هزار و ۵۸۴ تومان، و اصفهان ۲۸۳ هزار و ۶۱۱ تومان تعیین شده است."

مشاور وزیر رفاه در امور تأمین اجتماعی اظهار کرد: "خانواده ۵ نفره استان تهران نیز، حداقل نیازمند ۳۹۴ هزار و ۹۴۳ تومان یعنی حدود ۴۰۰ هزار تومان در آمد در ماه برای خروج از فقر مطلق هستند." - همان منبع  
وی یادآور شد: "در سال ۲۰۰۰ میلادی در دستیابی به اهداف هزاره ۱۶۷ نماینده کشورهای مختلف از جمله ایران متعهد شدند به کاهش ۵۰ درصدی فقر در کشورهای خود تا سال ۲۰۱۵ شده اند، بر این اساس، سیاست های موجود ما را به نتایج مورد تعهد نمی رساند."

مشاور وزیر رفاه در امور اجتماعی با اشاره به سیاست فقرزدائی، تجربیات سایرکشورها و ایران گفت: "برای دستیابی به این هدف کشورها باید سالانه ۳ درصد کاهش فقر داشته باشند که ما از این رقم بسیار فاصله داریم."  
وی با تأکید بر لزوم پیش گیری از تولید فقر و بهبود وضعیت زندگی گروه های در معرض فقر به خبرگزاری دانشجویان ایران گفت: "بسیاری از خانواده ها بر اساس محاسبات خود خانوارها فقیر محسوب نمی شوند، ولی با کوچک ترین بحران مانند نیاز به درمان یا فوت سرپرست به زیر خط فقر می روند." (همان منبع)  
به اعتقاد وی متأسفانه سیاست های موجود با سیاست های اصلی فقرزدائی فاصله بسیاری دارد و طبیعتاً نمی تواند کارائی لازم را در استفاده بهینه از منابع موجود در پی داشته باشد.

این گفت و گو و آمارهای در آمدی برای خروج از فقر مطلق مربوط به سال ۱۳۸۳ است. اخیراً آقای "راغفر" که از مشاورت وزیر رفاه کنار گرفته است، در گفت و گوئی که با خبر نگار روزنامه ی اعتماد در مورد آمار مربوط به خط فقر داشته چنین گفته است؛  
خبر نگار: "... شاید دولت بتواند آمار را کنترل کند ولی واقعیت فقر محسوس تر از روابط آماري است. گرچه هنوز خط فقری از سوی دولت اعلام نشده است اما برخی از تخمین هائی که وزارت رفاه ارائه می دهد به هیچ وجه برای مردم قابل قبول نیست."  
جواب "راغفر": ببینید زمانی خط فقر از سوی وزیر سابق ۱۶۵ هزار تومان برای خانواده ۵ نفره ی شهری اعلام شد ولی محاسبات در همان موقع (سال ۱۳۸۵) این رقم را ۲۵۰ هزار تومان نشان می داد. به گفته ی منتقدان اعلام چنین خط فقری در شهری مثل تهران اهانتی به مردم بود اما در حال حاضر همین گروه خط فقر را برای هر خانوار ماهانه ۲۷ هزار تومان اعلام می کنند." (روزنامه اعتماد- دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۶- سال پنجم- شماره ۱۳۸۰)

خبر نگار: «در سال ۸۴ و ۸۵ چطور؟»

- راغفر: «در زمان محاسبه ما آمار مرکز ایران محدود به سال ۸۳ می شد ولی تقریبی و با احتساب نرخ تورم ۲۰ درصد طی دو سال اخیر، این رقم برای سال ۸۴ نزدیک به ۴۸۰ هزار تومان و برای سال ۸۵ بالغ بر ۵۵۰ هزار تومان می شود (برای خانواده ی ۵ نفره شهری).» (روزنامه ی اعتماد دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۶).

## - \* کاهش ارزش پول و قدرت خرید مردم - بحران های اجتماعی، و- میزان در آمد خانوار برای خروج از فقر مطلق جقدر باید باشد؟

نقض حقوق اقتصادی- اجتماعی که هر روز جمعیت بسیار بیشتری از جامعه را در معرض تهدید قرار می دهد، از اهمیت زیادی برای اتخاذ تاکتیک های مناسب جهت بسیج و سازماندهی گروه های مختلف اجتماعی که مورد اصابت قرار می گیرند، برخوردار است. به این مطلب بدو از منظر اعلامیه ی جهانی حقوق بشر می پردازیم. بند یک ماده ۲۵ اعلامیه ی جهانی حقوق بشر چنین مقرر داشته: "هر شخصی حق دارد که از سطح زندگی مناسب برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده اش به ویژه از حیث خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری برخوردار شود." و قانون اساسی کشور ما نیز بر این ماده صحه گذاشته و در اصول ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۲، ۲۱ و بند یک اصل ۴۳ دولت جمهوری اسلامی را مؤظف کرده این حقوق را برای شهروندان ایرانی تأمین کند، از جمله در بند اصل ۴۳ آمده است، "تأمین اجتماعی نیازهای اساسی، مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه." حال سؤال اساسی این است که آیا در سالیان گذشته (۲۸سال) و نیز به طور خاص در نزدیک به دو سال عمر دولت فعلی روند موجود به سمت تأمین چنین شرایطی بوده است یا خیر؟

"پیش از این که نظر صاحب نظران در این خصوص توضیح داده شود، ابتدا نظر مردم در این زمینه ارائه می شود. براین اساس به بخشی از نتایج مطالعه ی ملی تحت عنوان ارزش ها و نگرش های ایرانیان در سال ۱۳۸۲ اشاره می شود. در این مطالعه وقتی از پاسخ دهندگان که نمونه ای از کل جمعیت مراکز استان های کشور بودند سؤال شد به طور کلی از اوضاع اقتصادی کشور چقدر رضایت دارند، پاسخ ۷۰/۵ درصد "کم"، ۲۵درصد "تا حدودی"، و ۴/۵ درصد "زیاد" بود. وقتی از جمعیت مذکور سؤال شد، "به نظر شما فاصله ی ثروت مندان و فقیران در جامعه، نسبت به ۵ سال قبل بیشتر شده یا کم تر" ۸۷/۹ درصد گزینه "بیشتر شده"، ۷/۴ درصد "فرقی نکرده" را انتخاب کردند. هم چنین در پاسخ به این سؤال که "فکر می کنید فاصله ی ثروتمندان و فقیران در ۵ سال آینده بیش تر خواهد شد یا کم تر؟" ۸۶/۸ درصد انتظار داشتند فاصله ثروتمندان و فقرا در ۵ سال آینده بیش تر شود و ۸/۱ درصد انتظار داشتند این فاصله کم تر شود."

"در واقع پاسخ دهندگان به خوبی در سال ۱۳۸۲ وضعیت امروز را نیز پیش بینی کرده و چشم اندازشان از جا به جایی سیاسی دولت ها نه تنها اصلاح روند بلکه نابسامان تر شدن وضع بوده، اگر چه از اوضاع نابسامان اقتصادی در همان زمان نیز رضایت نداشته اند. در باره ی اوضاع اجتماعی نیز ارزیابی پاسخ دهندگان نسبت به وضعیت موجود منفی بوده است، زمانی که به طور خاص از گروه مذکور در باره ی وضعیت اعتیاد سؤال شد، ۹۳/۵ درصد گفته اند این مشکل اجتماعی در مقایسه با ۵ سال قبل بیش تر شده است. به علاوه ۸۷/۸ درصد همین گروه انتظار داشته اند در ۵ سال آینده نیز اعتیاد شایع تر شود. در واقع از دیدگاه اکثریت پاسخ دهندگان به آن سئوالات که معرف ۱۵ سال سن و بالاتر مراکز استان های کشور بودند، شرایط

اقتصادی- اجتماعی هیچ گونه تناسبی با موازین حقوق بشر نداشته اند و بر آن اساس حقوق اقتصادی- اجتماعی جامعه ایران به کرات نقض شده است." (روزنامه اعتماد- یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۸۵- شماره ۱۳۲۳)

برای این که کسانی مدعی نشوند که این وضعیت مربوط به دو سال پیش بوده و احیاناً طی سال های اخیر خصوصاً در دولت فعلی وضعیت بهتر رقم خورده، اجازه دهید به چند نکته اشاره کنم.

" دولت در سال گذشته (۱۳۸۴) حدود ۴۱ میلیارد واردات داشته و امسال با احتساب نزدیک به ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار، حجم واردات را به ۴۵ و ۵۰۰ میلیون دلار رسانده، برخی برآورده ها انتظار دارند این رقم تا پایان سال به ۵۰ میلیارد دلار برسد."

آیا این ارقام نشان گر زندگی بهتری برای مردم ایران بوده است؟ پاسخ منفی است. زیرا اتکای بیش تر کشور به نفت و واردات بی حد و حصر، استثمار ملی و ظلم به همه ی ملت ایران است. دولت با قرار دادن بسیاری از کالاها در فهرست واردات کشور، پول نفت را به جای سفره ی ایرانیان بر سفره ی غیر ایرانیان از جمله چینی ها، روس ها، اعراب جنوب خلیج فارس، اروپائی ها و... برده است. قرار گرفتن اقلامی مثل سیب، پرتقال، نارنگی، موز، ذرت، آناناس، انبه و نارگیل، گوشت قرمز، مرغ، برنج، آهن، شکر، سیب زمینی { و کالاهای خانگی، صوتی و تصویری، پارچه، لباس، کفش و... } و کاهش نرخ گمرگی در مواردی تا نزدیک صفر، بنیان تولید داخلی را نابود کرده و موجب توقف فعالیت های تولیدی به سود تجار و بازرگانان شده است." (روزنامه اعتماد- یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۵)

دولت به چه کسانی مجوز این حجم قابل توجه از سیر تا پیاز را داده است؟ پاسخ به این سؤال پاشنه ی آشیل همه ی ادعاهای دولت برای تأمین "عدالت" است. آیا دولت حاضر است اسامی واردکنندگان و دستگاه های منتسب به آن ها را اعلام کند؟ مبادی و چگونگی ورود و اسکله های نامرئی مربوط به ارگان ها و نهادهای حکومتی مرتبط با آن ها را اعلام نماید؟ و ده ها "اما"ی دیگر.

"دولت حاضر یکی از پرهزینه ترین دولت های پس از انقلاب و بی انضباط ترین آن ها از جهت مالی بوده است. بر اساس گزارش سازمان مدیریت و برنامه ریزی، کسری اعتبارات هزینه ای دولت (بودجه ی جاری) حدود ۳۵ هزار میلیارد ریال است. به عبارت دیگر در ۸ ماه اول سال جاری {۱۳۸۵} دولت حدود ۹۷ درصد از اعتبارات جاری سالیانه خودش را خرج کرده است. آثار چنین وضعیتی تورم بیش تر برای مردم و فساد بیش تر برای دستگاه های دولتی است"- همان منبع پیشین.

### \* نقدینگی و تورم

در آبان و آذر سال جاری، (۱۳۸۵)، بانک مرکزی اعلام کرد نرخ رشد نقدینگی به ۲۵/۵ درصد رسیده است. متناسب با رشد نقدینگی تورم سرسام آور دو رقمی زندگی سخت و دشوارتری را برای مردم فقیر و اقشار متوسط جامعه رقم زده است. " مطابق آمار رسمی بانک مرکزی شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری در هشت ماه اول سال جاری در مقایسه با هشت ماه مشابه سال قبل ۱۲ درصد

افزایش داشته است. (به نقل از روزنامه های کثیرالانتشار کشور از جمله منبع فوق- اعتماد یکشنبه ۱۵ بهمن)

برخی برآورده ها حاکی از آن است که سرعت رشد نقدینگی تا پایان امسال {۸۵} به حدود ۵۰ درصد می رسد و به این ترتیب، شکاف های طبقاتی را در ایران باز هم بیش تر افزایش خواهد داد. به این جهت در دولت فعلی جمعیت بیش تری زیر خط فقر فرار گرفتند و شکاف طبقاتی و نابرابری به واسطه نورم روزاقرون عمیق تر شد. به گفته ی معاون اول رئیس جمهور ۴/۵ میلیون نفر یا حدود یک میلیون خانوار از جمعیت درآمدی کم تر از ۳۰ هزار تومان در ماه دارند بنا براین آن ها حتی نمی توانند شکم خود را سیر کنند.

خوش بینانه ترین برآوردها از وجود ۱۲ میلیون نفر جمعیت زیر خط فقر مطلق خیر می دهد که امکان تأمین نیازهای اساسی مثل خوراک، پوشاک، آموزش و آموزش و بهداشت خود را ندارند.

اگر چه بر آورد برخی اقتصاددانان از جمعیت مذکور دو برابر این میزان یعنی ۲۰ تا ۲۵ میلیون نفر است.

### • مسکن و سرپناه

بنا بر اظهار مقامات رسمی طی چند ماه اخیر قیمت مسکن ۴۰ درصد افزایش داشته است و پیش بینی شده در صورت ادامه وضع فعلی افزایش قیمت ها به ۵۰ درصد برسد. افزایش قیمت فقط شامل محلات بالای شهر مثل الهیه، زعفرانیه، قیطریه و نیاوران و... نبوده بلکه ساکنان جنوب تهران نیز از "مهرورزی" سباست دولت بی نصیب نبوده اند. بسیاری از کارشناسان معتقدند این افزایش ناشی از سیاست های دولت در افزایش نقدینگی بوده است.

" براساس آمارهای رسمی حداقل ۵/۱ میلیون خانوار ایرانی فاقد مسکن هستند یا به صورت مشترک از یک واحد مسکونی استفاده می کنند. سهم بی خانمان ها در خانواده های فقیر و دهک های یک تا ۴ به حدود ۴۵ تا ۵۰ درصد می رسد." (همان متیغ پیشین) این به معنای آن است که علاوه بر خانواده های زیر خط فقر، بحران مسکن خانوارهای نزدیک به خط فقر را نیز به زیر خط فقر سوق داده است.

" حاصل برنامه و سیاست های دولت در زمینه ی مسکن، نقض حق انسان ها برای برخورداری از حداقل مسکن است. این وضعیت موجب شد شورای حقوق بشر سازمان ملل کمیسیونی را مسئول تهیه ی گزارش وضعیت مسکن در ایران کند." (همان منبع).

### \*جرم و جنایت

آیا وقتی که تعداد زندانی ها در کشور بسیار بالاتر از میانگین جهانی است، می توان از امنیت اجتماعی سخن گفت؟ در حالی که به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در ایران ۲۵۰ زندانی (مطابق آمار رسمی) وجود دارد، میانگین آمار جهانی برابر ۱۴۴ نفر است و ایران جز پنج کشور دارای بالاترین شاخص زندانی است. وضعیت جرائم آن چنان رو به افزایش است که مدیر کل نوسازی سازمان زندان ها خواستار تأمین اعتباری برای ساخت ۳۹ زندان جدید در کشور شده است.

"در سال گذشته جرائم زنان ۱۳ برابر شده و هم اکنون ۳/۵ در صد زندانیان کشور زن هستند. گفته شده در سطح کشور آمار زنان خیابانی دستگیر شده در پنج ماه نخست امسال ۱۸ درصد بیشتر از مدت مشابه گذشته است."

"برآوردها نشان می دهد ۲۰ تا ۲۵ درصد جمعیت ایران دچار مشکلات روانی هستند و سطح بهداشت روان در جامعه پائین است. سلامت روانی حقی است بشری که به شدت تابع سیاست های کلان دولت ها است. (همان منبع)

در باره ی اعتیاد در ایران بسیار گفته شده است. پاسخ مسئولان به بالاترین نرخ مواد افیونی در میان کشورهای جهان چیست؟

طی چند ماه گذشته حدود ۲۸ دانشجو خودکشی کرده اند، برآوردها مبنی بر وجود حداقل ۱۵۰ هزار دانشجو است که حداقل یک بار در ماه از مواد مخدر استفاده می کنند. (آمار رسمی)

شیوع مصرف انواع مخدر از جمله کریستال، کراک و هروئین در مدارس روز به روز افزایش می یابد. پرونده های تشکیل شده در این خصوص ۱۱ درصد افزایش را نشان می دهد. (همان منبع)

نقض حقوق اقتصادی و اجتماعی، سیاسی و آزادی های دموکراتیک تنها محصور به این موارد نیست و اگر بخواهیم این موارد را مورد بحث قرار دهیم مثنوی هفتاد من می شود.

**ادامه دارد**

